

راهکارهای تربیتی کاهش فاصله نسلی با محوریت نامه ۳۱ نهج البلاغه

مقاله پژوهشی
اصیل
Original
Article

فرزاد دهقانی^۱

چکیده

هدف: فاصله نسلی از مهم‌ترین چالش‌های خانواده‌های امروز است؛ پدیده‌ای که از تفاوت‌های عمیق در نگرشها، ارزشها و رفتار نسلیها سرچشمه می‌گیرد و موجب کاهش درک متقابل، افزایش تعارض، افت همدلی و احساس تنهایی می‌شود. نامه ۳۱ نهج البلاغه، به عنوان مشهوری تربیتی میان دو نسل پدر و فرزند، ظرفیت بالقوه‌ای برای ارائه راهکارهای مؤثر در کاهش این شکاف دارد. هدف پژوهش حاضر، بررسی و تحلیل محتوای نامه ۳۱ نهج البلاغه به منظور استخراج و معرفی تکنیکها و راهکارهای تربیتی متناظر با کاهش فاصله نسلی و ارائه الگوی تربیتی همدلانه بود. **روش:** این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای-استنادی و با استفاده از تحلیل محتوای نامه ۳۱ نهج البلاغه، به بررسی تکنیکهای تربیتی مؤثر در رفع شکاف نسلی پرداخت. **یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که نامه ۳۱ نهج البلاغه نوعی ارتباط کلامی هدفمند برای اصلاح نگرش و رفتار نسلیهاست. تکنیکهای تربیتی استخراج‌شده، شامل شناخت دقیق مؤلفه‌های نسلی پدر و فرزند، تنظیم چارچوب عاطفی متناسب با سن فرزند، ایجاد زبان مشترک بین نسلی، تعمیق مشترکات نسلی، بهره‌گیری از تجربه‌گرایی و عقلانیت معنوی، تمرکز بر معیارهای روابط اجتماعی نسل جوان و استفاده از واقعیت‌درمانی بود. **نتیجه‌گیری:** کاربردی‌ترین عملی این تکنیکها می‌تواند به کاهش فاصله نسلی، افزایش همدلی و تقویت ارتباط میان والدین و فرزندان منجر شود؛ و در نهایت، بنیان خانواده را در برابر آسیبهای نسلی مقاوم‌تر سازد.

واژگان کلیدی: نامه ۳۱ نهج البلاغه، فاصله نسلی، تربیت، زبان مشترک، همدلی.

♦ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۴

۱. دکترای علوم قرآن و حدیث؛ دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه حکیم سبزواری. سبزوار، ایران. (نویسنده مسئول).

f.dehghani@hsu.ac.ir

الف) بیان مسئله

یکی از چالشهای بنیادین دنیای معاصر، تنهایی انسانها در بستر تحولات مدرنیته و صنعتی شدن جوامع است. بر خلاف گذشته که تنهایی بیشتر به معنای فیزیکی و دوری از جمع تعبیر می شد؛ در عصر حاضر ممکن است فردی در میان خانواده‌ای پرجمعیت زندگی کند، اما همچنان احساس تنهایی عمیق داشته باشد. این نوع تنهایی، حاصل تفاوت در نگرشها، بینشها و سبکهای زندگی است که منجر به شکل‌گیری ذهنیتی خاص و متفاوت از دیگران می‌شود. در این زمینه، فاصله نسلی به عنوان یکی از نمودهای بارز تنهایی مدرن، به اختلاف در فهم، رفتار و ارزشها میان نسلها اشاره دارد؛ شکافی که مانع از تعامل مؤثر و همدلانه میان افراد با سنین متفاوت می‌شود.

با توجه به نقش بنیادین خانواده در تربیت نسل آینده، عدم توجه به فاصله نسلی می‌تواند بنیان خانواده و در نتیجه، ساختار اجتماعی را با تهدیدهای جدی مواجه سازد. از این رو، بررسی راهکارهای تربیتی برای کاهش این فاصله، ضرورتی انکارناپذیر است. اسلام به عنوان کامل‌ترین دین الهی، با ارائه آموزه‌هایی جامع در ابعاد روانی، اجتماعی، معنوی و جسمی، ظرفیت پاسخگویی به چالشهای نوظهور را دارد. در این میان، نهج‌البلاغه به عنوان گنجینه‌ای از حکمتهای تربیتی، می‌تواند منبعی ارزشمند برای استخراج راهکارهای مؤثر در مواجهه با فاصله نسلی باشد.

پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل محتوای نامه ۳۱ نهج‌البلاغه، که امام علی (ع) خطاب به فرزند جوان خود، امام حسن (ع) نگاشته‌اند، در پی آن است تا تکنیکها و راهکارهای تربیتی متناظر با کاهش فاصله نسلی را استخراج و معرفی کند. این نامه به عنوان نمونه‌ای از ارتباط میان دو نسل متفاوت، ظرفیت بالایی برای ارائه الگوی تربیتی همدلانه دارد.

نوآوری این پژوهش در رویکرد بین‌رشته‌ای آن نهفته است؛ جایی که مفاهیم روان‌شناسی نسلها با آموزه‌های تربیتی نهج‌البلاغه تلفیق شده و با روش تحلیل محتوا، راهکارهایی عملیاتی برای کاهش فاصله نسلی ارائه می‌شود. همچنین، تمرکز بر نامه‌ای خاص از نهج‌البلاغه که گفتگویی میان دو انسان معصوم و کامل است، این پژوهش را از سایر مطالعات مشابه متمایز می‌سازد.

۱. ادبیات نظری پژوهش

یک) دوره نوجوانی و جوانی

سن ۱۲ تا ۲۰ سالگی، بازه زمانی نوجوانی و جوانی است. این بازه به عنوان آخرین مرحله رشد و تربیت و به سبب شرایط و حساسیت، با مراحل قبل به کلی متفاوت است. از لحاظ فیزیولوژی، با پدیداری عمل جنسی مرتبط با بلوغ قرین است. بر اساس علم روان‌شناسی، دارای خصیصه‌های پیچیده‌ای است که عبارتند از: اثرگذاری مداوم جنبه انفعالی در خلقیات؛ پیشرفت فوری زاویه تفکری به واسطه علایق و اشتیاقهای متعدد؛ عمیق شدن خلقیات؛ شخصی شدن کنشها به حالت سریع. هر کدام یک از این مؤلفه‌ها، نیازمند چارچوب تربیتی مخصوص است و به سبب طولانی بودن این بازه زمانی، به صورت اشکال مختلفی خودنمایی می‌کند.

درجه اول اهمیت در این بازه، تربیت شخصیت قرار گرفته و در ادامه، تربیت تمدنی و فرهنگی مهم می‌شود. این بازه به دو دوره چالش‌زای بلوغ (سن تقریبی ۱۲ تا ۱۶ سال) و شوق جوانی (۱۶ تا ۲۰ سال) تقسیم می‌شود. (دبس، ۱۳۷۰: ۱۴۹-۱۴۸)

برخی حد فاصل میان کودکی و بزرگسالی را نوجوانی و جوانی می‌دانند و این دوره، به فرد فرصت و انرژی کافی می‌دهد تا در نقشهای مختلف ایفای مسئولیت کند و خودانگارهای مختلفی را بپذیرد. افرادی که با حس نیرومند هویت از این مرحله خارج می‌شوند، با اعتماد و اطمینان کامل با بزرگسالی مواجه می‌شوند. اشخاصی که در این بازه نتوانند هویت منسجم را کسب کنند، دچار بحران هویت شده، آشفتگی انگاره خود را به ظهور خواهند رساند. (شولتز و شولتز، ۱۳۸۶: ۲۵۷)

دوره نوجوانی، دوره رشد توأم با تخیلات و آرزوهاست که دلیل عمده آن، تغییرات عمیق فیزیولوژیکی و روان‌شناختی نوجوان است. نوجوان غرق در آرزوهای رمانتیک و پایان‌ناپذیر است و در ادبیات به جستجوی الگوهای قهرمانی برخاسته و تا اندازه‌ای دور از واقعیات زندگی می‌کند. بر این اساس، رشد شدید زندگی همراه با تخیلات، با کمبودها و فقدان انسجام در این دوره مرتبط است. (بلاو اسپنله، ۱۳۷۲: ۳۰۰-۲۹۹)

باید توجه داشت فاصله زمانی که والدین را از فرزندان جدا می‌کند، آنان را در مراحل تکاملشان قرار می‌دهد؛ چیزی که تفاوت عمیقی در روند فیزیولوژیکی، روان‌شناختی اجتماعی و جامعه‌شناختی آنان به دنبال می‌آورد. از طرفی، والدینی که بر انبوه تجربیات خود تکیه دارند، زندگی را واقع‌بینانه‌تر می‌فهمند؛ در حالی که جوانها رو به سوی آینده دارند و

دلسوزی‌ها، نصیحت‌ها و اقتدار والدین خود را تحمل نمی‌کنند (همان: ۳۰۳). در این بازه سنی، در برخی از لحظات تحول، شاهد ظهور رفتارهای جدیدی هستیم که نمی‌توان آنها را از راه تحول کنشهای گوناگون یا از طریق تقلید ساده تبیین کرد. (روبرتو، ۱۳۸۰: ۱۱۰)

دو) فاصله نسلی

فاصله نسلی به دلیل ماهیت چند وجهی، همواره مسئله مشترک اندیشمندان جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم تربیتی و مردم‌شناسان فرهنگی بوده است (نک: عاشوری، ۱۳۹۳: ۸۲). از اختلاف در نگرش و رفتار جوانان و افراد سالمند که سبب عدم درک و فهم متقابل دو نسل می‌شود، تعبیر به شکاف نسلی می‌شود (معدفر، ۱۳۸۳: ۷۴). متناظر با گفتمان نسلی نوجوانان و جوانان، والدین به خواسته‌ها و علایقشان توجه نکرده، آنان را درک نمی‌کند و دنیا را از زاویه دید فرزندان تفسیر نمی‌کنند؛ بلکه از زاویه دید نسل خود، دنیا را می‌نگرند (نک: الیاسی، ۱۳۸۶: ۳۶) و این تعبیر از نشانه‌های فاصله نسلی است.

از منظر جوانان، نسل‌های بزرگ‌تر فعالیتهای مثبت بسیاری انجام داده‌اند که هم زندگی خود، هم چشم‌انداز آینده را بهتر کرده‌اند. اما در همان حال، نسل آخر هزاره‌ای‌ها اغلب بزرگ‌ترها را متهم می‌کنند به اینکه بیش از حد خودمحور و از خود راضی‌اند و خودشان را بیش از اندازه به آرمانهای بزرگی سرگرم کرده‌اند که دیگر وقتشان به سر آمده است و نتیجه این وضعیت، به جا ماندن مجادله‌های بی‌فایده، دورویی‌های بی‌حد و حصر و از دست رفتن توانایی لازم برای سروسامان دادن به امور از هم گسیخته شده است (کازمی‌پور، ۱۳۸۷: ۲۲). این نسل (جدید و جوان) برای بازسازی بنیادی اجتماعات، کار گروهی و روح مدنی، بسیار تلاش می‌کنند و این عمل را در زمینه‌هایی مانند کار برای اجتماعات، اصلاح رابطه نژادی و جنسیتی، سیاست و ایمان به پیش می‌برند. در هر یک از این زمینه‌ها، این نسل به ناچار از جایگاه تاریخی‌ای متفاوت با آنچه نسل مسن‌تر امروز از دوران جوانی خود به یاد می‌آورد، شروع کرده‌اند و طبیعتاً با چالشهای متفاوتی نیز در زندگی مواجه می‌شوند (همان: ۲۳-۲۲). یکی از مسائلی که تمایز نسلی را به خوبی نشان می‌دهد، میزان ابتلای جوانان به مشکلات جسمی و روحی و میزان شیوع اقدام به خودکشی در میان آنان در مقایسه با نسل‌های قبل از خود است. (همان: ۳۵)

نسل‌های جدید، سبک زندگی اجتماعی گذشتگان را بی‌کم و کاست تکرار نمی‌کنند؛ بلکه با نگاهی انتقادی و نوآورانه، مسیر متفاوتی را برمی‌گزینند. تغییرات محیطی و تنوع ارزشها، امکان انتخابهای تازه‌تری را برای جوانان فراهم کرده است. پژوهشها نشان می‌دهند که

راهکارهای تربیتی کاهش فاصله نسلی با محوریت نامه ۳۱ ... ۱۹۷

ارزشها و هنجارهای جوانان، تفاوت‌هایی با نسل بزرگ‌تر دارد و گاه موجب تنش در خانواده‌ها می‌شود. این اختلافات، ضرورت شناخت دقیق‌تر فاصله نسلی و انجام تحقیقات گسترده در این زمینه را آشکار می‌سازد. (نک: شکاری و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۲۸-۱۲۷)

در جامعه‌شناسی، فاصله نسلی به تفاوت‌های پایدار میان نسلها در زمینه‌های فکری، رفتاری و ارزشی اشاره دارد که اغلب در بستر تحولات اجتماعی و سیاسی شکل می‌گیرد. این فاصله، به ویژه در جوامع در حال گذار از سنت به مدرنیته، پررنگ‌تر است؛ جایی که جوانان در برابر سنت‌های گذشته موضع انتقادی می‌گیرند. اختلاف در نگرشها و سبک زندگی میان نسلها، موجب کاهش درک متقابل و بروز تعارضات هویتی می‌شود. بنابر این، فاصله نسلی نه تنها ناشی از تفاوت در باورها و ارزشهاست، بلکه بازتابی از تغییرات عمیق در ساختار اجتماعی و فرهنگی جوامع است. (نک: طباطبائی حسینی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۳-۲۲)

با وجود فراگیری و شهرت چالش فاصله نسلی در دوره کنونی، این مسئله در دین مبین اسلام پیش‌بینی شده و برای تربیت صحیح متناظر با فاصله نسلی توصیه‌های شده است. همان‌طور که حضرت علی (ع) می‌فرماید: «لَا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ، فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لَزَمَانَ غَيْرِ زَمَانِكُمْ» (ابن‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰: ۲۶۷)؛ فرزندان‌تان را بر آداب خود تربیت نکنید؛ چرا که آنها برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند. بر این اساس، روایت مذکور به وضوح به این چالش و آمادگی و تمهیدات والدین برای رفع آن اشاره کرده است.

سه) سیمای نامه

نامه ۳۱ نهج‌البلاغه بعد از وصیت‌نامه به مالک اشتر، طولانی‌ترین نامه نهج‌البلاغه است. محتوای نامه بیانگر یک بسته کامل درس تهذیب نفس، اخلاق، خودسازی و سیر سلوک معنوی است. این نامه متشکل از سی جزء است (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۹: ۴۶۰-۴۵۸). مخاطب نامه، امام حسن (ع) است و این نامه در هنگام بازگشت از جنگ صفین، در منطقه حاضرین نوشته شده که محلی در شام بوده است (نک: هاشمی خونی، ۱۳۹۸، ج ۲۰: ۴؛ ابن‌میثم، ۱۳۷۵، ج ۵: ۱؛ نواب لاهیجانی، ۱۳۵۶، ج ۱: ۲۵۰؛ مغنیه، ۱۹۷۹، ج ۳: ۴۸۳؛ قطب رواندی، ۱۴۰۶، ج ۳: ۸۶؛ مؤید، ۱۴۲۴، ج ۵: ۲۲۷۱). بر اساس غالب متون و شروح نهج‌البلاغه، مخاطب نامه، امام حسن (ع) است و در اکثر طرق نامه با ایشان اشاره شده است؛ فقط در یک طریق، محمد بن حنفیه را مخاطب دانسته‌اند و دلیل این مطلب، متناظر با دیدگاه شارحان، مفاهیمی است که در نامه وجود دارد و با شأن و منزلت امام حسن (ع) که مقام امامت و عصمت دارند، سازگاری ندارد (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۹: ۴۶۰-۴۵۹). علت این دیدگاه، عدم توجه به این مقوله است که حضرت، متناظر با مؤلفه‌های

نسلی جوانان به نگارش نامه اقدام کرده‌اند و نه بر اساس ویژگی‌های مصداق خاص، یعنی امام حسن (ع) و به همین سبب، نامه به صورت یک گنجینه ارزشمند تربیتی و آموزشی کاربرد دارد.

این نامه در قالب بیان، رساترین و شیواترین سخن و حامل حکمت‌های ناب عملی است و کامل‌ترین تعابیری است که به راه خداوند دعوت می‌کند (ابن میثم، ۱۳۷۵، ج ۵: ۱). روال این بوده است که در نامه‌ها، فرستنده و گیرنده نامه مشخص باشد؛ بدین تعبیر که این نامه از سوی فلان شخص به سوی فلان شخص نوشته می‌شود. اما در این نامه، حضرت به جای نام بردن از خود و فرزندش، به ذکر اوصاف می‌پردازد که این سبک بیان، زمینه را برای اندرزه‌های مهم آینده هموار می‌سازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۹: ۴۶۲)

چهار) هدفمندی ارتباط در راستای تغییر نگرش

یکی از مؤلفه‌های بنیادی در تحلیل سازوکارهای ارتباطی، هدفمندی تعامل است. ارتباط اثربخش زمانی شکل می‌گیرد که طرفین آن با درک روشن از اهداف، تعاملات خود را در مسیر تحقق مطلوب ساماندهی کنند. هدفمندی نه تنها محرک حرکت ارتباطی است، بلکه چارچوب گفتگو را از حالت پراکنده به سمت تعامل هدفمند و ساختاریافته سوق می‌دهد؛ به گونه‌ای که کنشها و سخنها با سنجش موقعیت و محاسبه الزامات، تنظیم می‌شوند و انتخابهای ارتباطی بر اساس احتمال دستیابی به نتیجه مطلوب صورت می‌پذیرند. (نک: هارچی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۵)

در پرتو این منطق ارتباطی، نامه ۳۱ نهج البلاغه را می‌توان مصداقی روشن از تعامل هدفمند تربیتی دانست. حضرت علی (ع) در این نامه، نه صرفاً در مقام بیان فضایل یا توصیه‌های اخلاقی، بلکه در جایگاه مربی حکیم، به تنظیم گفتگویی می‌پردازد که غایت آن، تغییر نگرش همه‌جانبه و اصلاح رفتارهای مخاطب است. سیاق این نامه نشان می‌دهد که امام (ع)، مراحل مختلف اصلاح رفتاری را مد نظر داشته‌اند؛ از جمله: تقویت رفتارهای مطلوب موجود، ایجاد رفتارهای مطلوب تازه در مخاطب، نگهداری و پایداری رفتارهای مثبت، کاهش یا حذف رفتارهای منفی و نامناسب. (نک: شفیق‌آبادی، ۱۳۹۶: ۶۷)

حضور همزمان این سه محور رفتاری در ساختار نامه، دلالت بر آن دارد که این ارتباط نه تنها بر اساس محتوای اخلاقی شکل گرفته، بلکه از منطق تغییر رفتاری و روان‌شناسی تربیتی نیز پیروی کرده است. این سبک، نشان از آن دارد که امام در مقام پدر، به گونه‌ای ارتباط را تنظیم کرده که نه فقط انتقال مفاهیم، بلکه تحول درونی مخاطب را هدف قرار دهد.

۲. پیشینه پژوهش

از جمله نزدیک‌ترین آثار، مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی سبکهای فرزندپروری با سبک فرزندپروری امام علی (ع) در نامه سی و یکم نهج البلاغه» (قدسی و قائمی، ۱۳۹۳) است. این پژوهش به بررسی و تحلیل مسائل مختلف در اشکال فرزندپروری در مقابل نهج البلاغه پرداخته است. در مقاله «روشهای مشترک تربیت اخلاقی در قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه» (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۷)، روشهای مشترک تربیت اخلاقی، همچون ارائه الگو، موعظه، عبرت گرفتن، محبت، نوبه و محاسبه معرفی شده‌اند. در مقاله «جستاری در روشهای عاطفی تربیت اخلاقی در نامه ۳۱ نهج البلاغه» (سبحانی‌نیا و موسوی، ۱۴۰۲)، با تأکید به بُعد تربیتی گرایشی یا عاطفی تربیت متناظر با نامه پرداخته شده است.

بر اساس نتایج مقاله «بررسی عوامل درون و برون خانوادگی مؤثر بر گسست نسلی در خانواده ایرانی» (هوشیاری و رحمتی، ۱۴۰۱)، عوامل خانوادگی و اجتماعی مانند اشتغال والدین، تفاوت نسلی و تأثیر رسانه‌ها، باعث شکل‌گیری گسست نسلی در خانواده‌ها شده‌اند.

مقاله «الگوی کاهش شکاف نسلی با بهره‌گیری از شبکه اجتماعی اینستاگرام (تحلیل کیفی مبتنی بر رویکرد داده‌بنیاد)» (شکاری و همکاران، ۱۴۰۲)، نشان داد با بهره‌گیری درست از اینستاگرام، می‌توان شکاف نسلی را کاهش داد و همبستگی خانوادگی را تقویت کرد.

مقاله «مؤلفه‌های اثرگذار بر شکاف نسلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم منطقه چهار شهر تهران از منظر والدین و معلمان (با تأکید بر تربیت دینی)» (ایمانی، ۱۴۰۲) نشان می‌دهد که تغییر در شیوه‌های یادگیری، تنوع منابع تربیتی، گرایش به هویت‌سازی گروهی، ضعف در انتقال مفاهیم دینی و خانوادگی و کاهش باورهای مذهبی، از عوامل اصلی شکل‌گیری شکاف نسلی میان دانش‌آموزان است.

مقاله «جستاری بر پروسه جهانی‌سازی یا جهانی‌شدن با نگاهی بر تهدید یا فرصت بودن شکاف نسلیها در آموزه‌های جامعه‌شناسی جنایی و اسلامی» (طباخ حسینی و همکاران، ۱۴۰۲)، نشان می‌دهد که نحوه مدیریت شکاف نسلی توسط حاکمیت، تعیین می‌کند که این پدیده به فرصت تبدیل شود یا تهدید. در صورت نبود مدیریت مناسب، حتی مزایای جهانی‌شدن نیز ممکن است به تعمیق شکاف فرهنگی و اجتماعی بین نسلیها منجر شود.

به سبب اهمیت چالش «فاصله نسلی» و جنبه‌های تربیتی نامه ۳۱ نهج البلاغه، پژوهشهای مختلفی از زوایای مختلف به این دو مقوله پرداخته‌اند؛ ولی اثری که به صورت بین رشته‌ای

به استخراج تکنیکهای تربیتی جهت زایل کردن شکاف نسلی با محوریت نامه ۳۱ نهج البلاغه پردازد، وجود ندارد که از این منظر دارای نوآوری است.

ب) روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شده است. داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای-استنادی و بررسی منابع اسلامی، به ویژه نهج البلاغه، گردآوری شده‌اند. در مرحله نخست، مفاهیم مرتبط با فاصله نسلی و تربیت بین نسلی توصیف شده‌اند. سپس، داده‌های گردآوری شده به صورت منطقی و بی طرفانه تبیین شده‌اند تا روابط مفهومی میان مؤلفه‌ها آشکار شود. در نهایت، با بهره‌گیری از تحلیل محتوا و تلفیق آن با مبانی روان‌شناسی نسلها، تکنیکهای تربیتی نامه ۳۱ نهج البلاغه استخراج و تحلیل شده‌اند تا راهکارهایی عملی برای کاهش فاصله نسلی ارائه شود.

ج) راهکارهای تربیتی

در ادامه، بر اساس نامه ۳۱ نهج البلاغه، به شناسایی و ارائه راهکار و تکنیکهای تربیتی به منظور کاستن و زایل کردن فاصله نسلی پرداخته می‌شود.

۱. شناخت مؤلفه نسلی خود(نسل پدر)

گام اول برای ایجاد ارتباط با نسل متفاوت و از بین بردن فاصله نسلی، شناخت مؤلفه‌های نسلی خود است. وقتی تلاش والدین برای ایجاد ارتباط با فرزندان متعلق به نسلی دیگر است، قبل از شناخت دغدغه‌ها، امیال، آرزوها و چالشهای نسلی خود نمی‌توانند در ارتباط‌گیری موفق باشند. این مهم تأثیر مستقیمی در درک نسل متفاوت و زایل کردن توهم تعارض منافع دارد. برای نمونه، اغلب پدر و مادرها وقتی فرزندان خود را مخاطب قرار می‌دهند و متناظر با خیرخواهی، درخواست تلاش و کوشش می‌کنند؛ این سوء برداشت ایجاد می‌شود که حتماً نفعی از این درخواستها متوجه والدین خواهد بود! در حالی که اگر قبل از شروع ارتباط کلامی، به صورت مهندسی شده و دقیق، مؤلفه‌های نسلی ذکر شود، سوء برداشتها به وجود نخواهد آمد.

حاصل مطلوب تکامل اجتماعی و روان‌شناختی، شخصیت کامل است. مؤلفه‌های اشخاص کامل عبارتند از: ۱. دانای به تمام تجربیات و پذیرنده احساسات منفی و مثبت؛ ۲. جدید بودن فهم نسبت به همه تجربیات؛ ۳. اطمینان به کنشها و گرایشهای خود؛ ۴. انتخاب

راهکارهای تربیتی کاهش فاصله نسلی با محوریت نامه ۳۱ ... ۲۰۱

آزادانه؛ ۵. مبتکر و خودشکوفای؛ ۶. احتیاج مداوم به تعالی در جهت تکامل نهایی استعداد فردی. (شولتز و شولتز، ۱۳۸۶: ۳۷۸-۳۷۷)

بر این اساس، حضرت علی(ع) قبل از آغاز نصایح به فرزند خود، امام حسن(ع)، درباره مؤلفه‌های سنی خود گوشزد کرده‌اند. در این توصیف به چند مؤلفه مهم برمی‌خوریم: «مَنْ أَوْلَادِ الْفَانِ الْمُقَرِّ لِلزَّمَانِ الْمُدْبِرِ الْعُمُرِ الْمُسْتَسْلِمِ [لِلدَّهْرِ الدَّامِ] لِلدُّنْيَا السَّاكِنِ مَسَاكِنِ الْمَوْتَى وَ الطَّاعِنِ عَنْهَا غَدًا» (نامه ۳۱). پدری فانی، که این تعبیر می‌تواند سن بالاتر پدر نسبت به فرزند باشد با این بیان که هر چقدر سن بالاتر می‌رود، انسان به طور طبیعی به مرگ و فنا نزدیک‌تر می‌شود. ویژگی بعدی بر اساس گذر عمر، اعتراف به گذر زمان است (نک: ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۶: ۵۲). همچنین زندگی را طی کرده است، در جایگاه گذشتگان ساکن شده و مسافر فرداست.

حضرت علی(ع) در آغاز وصیت خود به امام حسن(ع)، در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه، با بیانی ژرف و ادبی به شرح وضعیت وجودی و زیست‌جهانی خویش می‌پردازد تا زمینه‌ای معرفتی و عاطفی برای پذیرش وصایا فراهم سازند. این خودمعرفی نه از سر ضعف، بلکه تدبیری تربیتی است که نگاه حکیمانه‌ای به حقیقت عمر، مرگ و گذر زمان دارد.

«مَنْ أَوْلَادِ الْفَانِ»؛ علی(ع) خود را «پدر فانی» معرفی می‌کند؛ اصطلاحی که از یک سو نشانه تواضع وجودی ایشان است و از سوی دیگر، اعترافی به حقیقت فناپذیر انسان. واژه «فانی» در اینجا، نه صرفاً به معنای پیر بودن، بلکه به معنای عبور از دوره جوانی و ورود به مرحله‌ای از زندگی است که انسان بیشتر با حقیقت مرگ و زوال روبه‌رو می‌شود (نک: ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۶: ۵۲). «الْمُقَرِّ لِلزَّمَانِ»؛ تأکید بر «اقرار» به گذر زمان، نشانگر بلوغ فکری و معرفت تجربه‌گرای امیرالمؤمنین است؛ ایشان نه تنها گذر زمان را انکار نمی‌کنند، بلکه آن را به عنوان واقعیتی ملموس می‌پذیرند. این پذیرش، بیانگر آمادگی برای انتقال تجربه از نسلی است که عمر را طی کرده، به نسلی که در آغاز راه است. «الْمُدْبِرِ الْعُمُرِ»؛ علی(ع) با تعبیر «عمر گذشته» نشان می‌دهد که در مرحله‌ای از زندگی است که بیشتر عمر سپری شده و آینده، محدود و ناپایدار است. این نگاه، دعوت به بهره‌برداری از زمان باقی‌مانده و بازگشت به اصل است. «السَّاكِنِ مَسَاكِنِ الْمَوْتَى»؛ این عبارت، تصویر شاعرانه‌ای از نزدیکی به مرگ است؛ گویی علی(ع) خویشتن را در هم‌جواری با خاک و در سایه‌سار آرامگاه رفتگان می‌بیند. این نه از سر ناامیدی، بلکه نگاهی حکیمانه به سیر هستی است. «الطَّاعِنِ عَنْهَا غَدًا»؛ تعبیر «مسافر فردا»، نمادی است از آمادگی برای ترک دنیا و هجرت به آخرت. این واژه‌ها

نه فقط حامل معنای زوال، بلکه بار تربیتی دارند: انسان باید همواره آماده باشد که «از دنیا کوچ کند»؛ چرا که این سفر، حتمی و اجتناب‌ناپذیر است. حضرت علی (ع) در این فراز، با بهره‌گیری از توصیفاتی چون: «فانی»، «مقرّب»، «مدبّر»، «ساکن» و «ظاعن»، نه تنها موقعیت سنی و تجربی خود را تبیین می‌کنند، بلکه بنیانی معرفتی برای انتقال آموزه‌های حکمی و تربیتی می‌سازند. این نوع آغاز، نشانه‌ی روش تربیتی امیرالمؤمنین در گفتگوی بین نسلی است؛ جایی که تجربه، تواضع و آمادگی برای رحلت، پشتوانه‌ی صداقت و عمق سخن می‌شود.

گفتنی است که ارتباطات از خویشتن و شناخت خود آغاز می‌شود. هر ارتباطی که انسان در آن دخیل است، از چشم‌اندازی^۱ که انسان از خود دارد، شروع می‌شود (نک: فرهنگ، ۱۳۹۲، ج ۱: ۲۰-۱۹) و شروع نامه که متناظر با ویژگی‌های نسلی فرستنده است، بیانگر این نکته می‌باشد. تمرکز بر مؤلفه‌های پدر، نشان‌دهنده‌ی تثبیت شخصیت و پختگی است. افراد در مرحله‌ی پختگی و پیری رشد روانی-اجتماعی، به زندگی خود فکر کرده و آن را بررسی می‌کنند و انتخابهای گذشته را پذیرفته یا به حال آنها تأسف می‌خورند. شیرینی خاطرات و تصمیم‌گیری به اوایل جوانی برمی‌گردد که با تصمیم‌های مهم بر روند زندگی‌شان سایه می‌افکند و اشخاصی که وقت زیادی را صرف مرور زندگی خود در جوانی می‌کنند تا چالشهای مشکل‌ساز را حل کرده، از وضعیت خود آگاهی بیشتری کسب کنند (شولتز و شولتز، ۱۳۸۶: ۲۷۲). اشخاص خودشکوفا و کامل، هیچ تجربه‌ای را زیر سؤال نمی‌برند و تغییر نمی‌دهند؛ بلکه آگاهی کامل و دقیقی از تجربیات دارند و نسبت به آن، حالت تدافعی ندارند. این افراد، احساسات و هیجانات مثبت و منفی را می‌پذیرند و به صورت عمیق احساس می‌کنند و در نتیجه، عاطفی‌ترند. (همان: ۳۷۸)

بنابر این، والدینی که به طور کامل از خود و دغدغه‌ها و چالشهای نسلی خود اطلاعات و آگاهی ندارند، نه تنها در از بین بردن فاصله‌ی نسلی موفق نخواهند بود؛ بلکه اصلاً این مقوله بر ایشان قابل درک نیست و تمام تلاششان برای ایجاد صمیمیت و ارتباط قوی با فرزندان، نتیجه‌ی عکس خواهد داد.

۲. شناخت مؤلفه‌های نسلی فرزند

گام دوم برای ایجاد ارتباط و از بین بردن فاصله‌ی نسلی، شناخت مؤلفه‌های نسلی فرزندان است. بدین تعبیر والدین قبل از ارتباط کلامی با فرزندان خود باید به طور دقیق و کامل مطلع

راهکارهای تربیتی کاهش فاصله نسلی با محوریت نامه ۳۱ ... ♦ ۲۰۳

باشند که دختر و پسر در سن فرزندان ما، چه ویژگی‌های نسلی‌ای می‌توانند داشته باشند؟ دغدغه‌ها و تمایلاتشان چیست؟ چه چالش‌هایی تهدیدکننده این سن است؟ و... همه این شناختها بدون توجه به فرزند و با تمرکز به ویژگی‌های صرف نسلی است. پدر و مادری که شناخت کافی از مؤلفه‌های سنی و نسلی فرزندان خود دارند، ارتباط بهتر و صمیمی‌تری با فرزندان دارند و با کاربست همدلی، مقوله فاصله نسلی را مدیریت می‌کنند.

متناظر با مسئله پیش گفته، حضرت علی (ع) بعد از تبیین ویژگی‌های نسلی خود به عنوان پدر، در مرحله دوم قبل از اینکه وارد ارتباط کلامی شوند، به مؤلفه‌های نسلی امام حسن (ع) به عنوان فرزند، بدون تأکید بر شخص ایشان اشاره می‌کنند؛ مؤلفه‌هایی همچون: دارنده آرزوهای دست‌نیافتنی که به زیادی آرزوها در سن جوانی اشاره دارد؛ به گونه‌ای که سبب فراموشی آخرت می‌شود (نک: ابن میثم، ۱۴۰۴، ج ۵: ۳). همچنین: در مسیر زندگی، آماج بیماری‌ها، گرو روزگار، آماج مصیبت‌ها، گرفتار و درگیر دنیای فریبکار، درافتاده خواهشها و... «إِلَى الْمَوْلُودِ الْمُؤْمَلِ مَا لَا يُدْرِكُ السَّالِكِ سَبِيلَ مَنْ قَدْ هَلَكَ عَرَضَ الْأَسْقَامِ وَ رَهْنَةَ الْأَيَّامِ وَ رَمِيَةَ الْمَصَائِبِ وَ عَبْدَ الدُّنْيَا وَ تَاجِرَ الْغُرُورِ وَ غَرِيمَ الْمَنَائِي وَ أَسِيرَ الْمَوْتِ وَ حَلِيفَ الْهَمُومِ وَ قَرِينَ الْأَحْزَانِ وَ نُصَبَ الْأَقَاتِ وَ صَرِيحَ الشَّهَوَاتِ وَ خَلِيفَةَ الْأَمْوَاتِ». (نامه ۳۱)

در فراز دوم نامه ۳۱ نهج البلاغه، حضرت علی (ع) پس از تبیین جایگاه نسلی خود به عنوان پدری فانی، به توصیف وضع وجودی نسل جوان می‌پردازد؛ نه با خطاب مستقیم به امام حسن (ع)، بلکه با نگاهی عام و تربیتی به ویژگی‌های روحی و زیستی نسل نوپا. در حقیقت این بخش، چارچوبی معرفتی را برای آغاز گفتگوی اخلاقی و حکیمانه میان دو نسل فراهم می‌کند.

امام علی (ع)، جوان را «مولود امیدوار به دست‌نیافتنی‌ها» می‌نامد؛ یعنی انسانی که در طلیعه جوانی، آمال بلند دارد و درگیر آرزوهایی است که هنوز تحقق نیافته‌اند. همان‌گونه که ابن میثم اشاره کرده است، فراوانی آرزو در این مرحله از زندگی، غفلت از آخرت را در پی دارد (ابن میثم، ۱۴۰۴، ج ۵: ۳). این فرد در مسیر زندگی با خطرهایی چندگانه مواجه است: آماج بیماری‌ها، گروگان ناملايمات زمان، قربانی مصیبت‌ها و دربند دنیای فریبنده، تاجر غرور، بدهکار مرگ، اسیر فنا، همنشین اندوه، همسفر مصیبت و در نهایت، وارث خاموش مردگان. ترکیب‌هایی همچون: «رمیه المصائب»، «عبد الدنيا» و «تاجر الغرور»، تصویری عمیق از بحرانهای روانی، وجودی و اجتماعی یک جوان را به تصویر می‌کشند؛ فردی که در معرض سیل تمایلات، آسیبهای بیرونی و فریبهای درونی است. این تصویر، زمینه‌ای برای سخن

گفتن از هدایت، پالایش و رشد است؛ زیرا شناخت بحران، مقدمه اصلاح و تربیت است. حضرت علی(ع) با این مقدمه حکیمانه، گفتگوی خود را نه از سر سلطه، بلکه از موضع بصیرت آغاز می‌کنند.

گفتنی است که هیچ کدام از این مؤلفه‌ها با مخاطب نامه؛ یعنی امام حسن(ع)، تناسب و سازگاری ندارند، ولی با ویژگی‌های نسلی و سنی ایشان کاملاً تناسب دارند و تمرکز حضرت علی(ع) به عنوان پدر، ضمن اطلاعات کامل از ویژگی‌های نسلی، حس درک‌شدگی و همدلی را به فرزند انتقال داده و زمینه را برای ایجاد ارتباط کلامی قوی آماده‌تر می‌کند و در نتیجه، فاصله نسلی را از بین می‌برد.

در واقع؛ گام اول و دوم، تسهیل‌کننده مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر وضعیت‌های ارتباطی؛ یعنی ارتباط گیرندگان: چه کسی با چه کسی ارتباط می‌گیرد؟ (شوتس ایشل، ۱۳۹۳: ۷۵) و شناخت متکلم و مخاطب است و سبب نزدیکی ذهنی‌ها و درک می‌شود. درک^۱ به معنای «دریافت صحیح محتوای محرک^۲ مد نظر» است. بر این اساس، اشخاص با علم و مهارت در مرحله ارتباط کلامی، به گونه‌ای پیام خود را در قالب ارتباط تنظیم می‌کنند که مخاطب، از احساس و هدف متکلم، درک درستی داشته باشد (فرهنگی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۴۷). اگر طرفین منازعه یکدیگر را بهتر درک کرده و به هدف‌های یکدیگر وقوف حاصل کنند، اختلافات آنان کمتر شده و در نتیجه، توافق میان آنان آسان‌تر پدید می‌آید. گفتنی است که مفهوم درک با توافق، به کلی متفاوت است؛ درک، رسیدن به توافق را تسریع می‌بخشد، اما همیشه درک متقابل به توافق با هم منجر نمی‌شود. (همان: ۵۰)

از آنجا که چالش و بحران در نوجوانان و جوانان به ظهور می‌رسد؛ شناخت نسلی والدین، با وجود آمادگی برای مدیریت چالش‌ها، مساعدت دلسوزانه را برای گذر از این بحران‌ها تسهیل می‌کند. نباید گذاشت این سنین باعث ایجاد چالش پرخطر شود و در گام بعد باید به حیات روحی وی وحدت بخشید؛ بدین منظور باید با او در ارتباط بود و تفاهم و همدلی ایجاد کرد و با درک فاصله نسلی، برای ایجاد تفاهم تلاش کرد. تفاوت‌های عمیق ساخت ذهنی میان نوجوان و والدین به عنوان مربی، باید درک شوند؛ تفاوت‌ها باید فهمیده شوند، نه اینکه حدس زده شوند. نوجوانان بر خلاف کودکان، معلمی نمی‌خواهند که معلوماتش آنان را به تعجب وادارد؛ بلکه خواهان کسی‌اند که مسائل آنان را درک کند و بهنگام انتقاد کند

راهکارهای تربیتی کاهش فاصله نسلی با محوریت نامه ۳۱ ... ۲۰۵

و در عین حال در لحظات سخت حامی باشد. بر این اساس، تربیت این دوره بیش از هر دوره دیگر باید با محبت و دوستی قرین باشد. (دبس، ۱۳۷۰: ۱۵۶-۱۵۵)

شناخت مؤلفه‌های نسلی فرزند، سبب همدلی با او شده و فاصله نسلی را کاهش می‌دهد. همدلی،^۱ از ریشه آلمانی^۲ در معنای «با دیگری حس کردن» است. همدلی کردن با کسی، یعنی احساس او را درک کردن. برخی مهارت ارتباطی هر کسی را به تعریف او از همدلی مرتبط می‌سازند؛ با این بیان که «همدلی صحیح، هم حساسیت نسبت به احساسات موجود و هم تسهیلات لازم کلامی برای ارتباط با دیگری را در بر می‌گیرد که موجب درک و تفاهم بیشتر و نیز استفاده صحیح از زبان برای القای مفاهیم می‌شوند» (فرهنگی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۱۱۶-۱۱۵). یکی از مهم‌ترین عوامل فاصله نسلی، حس عدم درک‌شدگی از جانب نسل جوان است که این احساس، انگیزه ارتباط کلامی را کاهش می‌دهد. اگر والدین شناخت کاملی از خصایص نسلی فرزندان خود داشته باشند، نصف مسیر طی شده است. ادامه مسیر نیز با کاربست همدلی هموار خواهد شد. همان‌طور که در مدل اصلی جامعه‌شناختی ارتباطات، وجود کنش ارتباطی، تجربه آن یا فهمیدن آن را مسلم فرض می‌کند؛ رابطه تجربه کردن و فهمیدن، رابطه‌ای تکمیلی و ارجاعی است. (شوتس ایشل، ۱۳۹۳: ۷۵-۷۲)

حضرت علی(ع) در تبیین موقعیت وجودی خود به عنوان پدر، شش ویژگی را برمی‌شمارد؛ در حالی که در توصیف وضعیت فرزند جوان، ۱۴ مؤلفه را بیان می‌کند. این نسبت دو به یک در تعداد صفات، نه صرفاً یک ساختار ادبی، بلکه نوعی تمهید تربیتی دقیق است که نشان از ژرف‌نگری و عقلانیت نسلی امام(ع) دارد. امیرالمؤمنین در مقام کسی که عمری را پشت سر گذاشته و به افق مرگ نزدیک‌تر شده، با شناختی عمیق از چالش‌های مسیر جوانی، هر دغدغه تجربه‌شده‌اش را با دو آسیب بالقوه در مخاطب جوان تطبیق می‌دهد؛ به نحوی که هر صفت از او، در آینه فرزند، دو نقطه ضعف یا خطر را بازتاب می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۹: ۴۶۷). این شیوه تناسب‌سازی، به تعادل میان دانش زیسته و آگاهی پیش‌رو منجر می‌شود و زمینه را برای گفتگوی بین نسلی فراهم می‌سازد؛ گفتگویی که هدفش نه صرفاً نصیحت، بلکه ساخت «فهم مشترک» و کاهش فاصله‌های نسلی است. این سبک بیانی در نهج البلاغه، نشان‌دهنده نوعی بلوغ فکری و تجربه‌گرایی در انتقال مفاهیم تربیتی است؛

1. Empathy
2. Einfuhling

روشی که با مقایسه‌سازی ظریف، مخاطب را نه با سرزنش، بلکه با همراهی معرفتی، در مسیر رشد قرار می‌دهد.

۳. کاربرد چارچوب عاطفی

اصلی‌ترین مؤلفه برای از بین بردن فاصله نسلی با نسل جوان، کاربرد عنصر محبت و عاطفه، قرین با زدودن تعارض منافع است. متناظر با مؤلفه‌های سنی نوجوانان و جوانان، باید محتوا در قالب فرمهای عاطفی جاگذاری شود و فاصله نسلی در پرتو آن زایل شود؛ چون در دوره جوانی و نوجوانی حالت هیجانی غنی‌تر شده و به صورت احساسات عمیق و به تعبیری؛ حالت عاشقانه ظهور می‌کند و گاه به حالت هیجان شدید و حساسیت خودنمایی می‌کند (دبس، ۱۳۷۰: ۱۵۰). در خاتمه این مرحله، دوستی جایگزین رفاقت شده و معمولاً مقدمه‌ای برای ظهور عشق است. نیاز به دوست داشته شدن، احساسات آتشین دوره نوجوانی را سیراب می‌کند و به عشقهای زودگذر پایان می‌دهد. تغییر علایق و عقاید و همچنین میل به بحث، مقدمه پختگی عقلی است. طغیان خیال، فورانهای انفعال را به احساساتی مبدل می‌سازد که سراسر حیات روانی را در بر می‌گیرد. خیالبافی در این دوره قوی است. در فرایند این دوره، فکر مبتنی بر مفهوم کلی، جانشین فکر مبتنی بر مفهوم اجمالی می‌شود و استعدادهای فردی شکوفا شده، اختلاف خلقی در این دوره محسوس‌تر است. همچنین مخالفت با نزدیکان و دیگران به طور محسوس قابل رؤیت است (همان: ۱۵۲-۱۵۱). گفتنی است که رابطه بین فرزند و والدین در رشد عاطفی فرزند اهمیت زیادی دارد. به تدریج که کودک بزرگ‌تر می‌شود، پیوند عاطفی خود را با والدین و اطرافیان، حفظ و در نتیجه با ارزشها و رفتارهای والدین همانندسازی می‌کند. (شفیع‌آبادی، ۱۳۹۶: ۲۲)

بعد از ذکر مؤلفه‌های نسلی فرزند، حضرت علی (ع)، محتوایی را متناظر با ویژگی‌های نسلی خود در قالب عناصر عاطفی متناسب با سن مخاطب بیان می‌کنند: «بعد از پشت کردن دنیا و سرکشی روزگار و روی آوردن آخرت، بر من مسجل شد که باید دیگران را رها کرده، با تمام تلاش به خودم و آخرت پردازم...» (نامه ۳۱). در واقع؛ چنین تحلیلی، اولین و مهم‌ترین برداشت متناظر با مؤلفه‌های نسلی پدر است و به گونه‌ای دقیق و منطقی است که برای همه مخاطبان بدیهی و طبیعی می‌نماید. در ادامه سیاق، اوج عنصر عاطفی را با این بیان: «... وَ وَجَدْتُكَ بَعْضِي بَلْ وَجَدْتُكَ كُلِّي حَتَّى كَأَنَّ شَيْئًا لَوْ أَصَابَكَ أَصَابَنِي وَ كَأَنَّ الْمَوْتَ لَوْ أَتَاكَ أَتَانِي فَعَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَعْنِينِي مِنْ أَمْرِ نَفْسِي فَكَتَبْتُ إِلَيْكَ كِتَابِي [هَذَا] مُسْتَظْهِرًا بِهِ إِنَّ أَنَا بَقِيْتُ لَكَ أَوْ فَنَيْتُ» (همان) به تصویر کشیده، کوچک‌ترین فاصله نسلی را باقی

راهکارهای تربیتی کاهش فاصله نسلی با محوریت نامه ۳۱ ... ♦ ۲۰۷

نمی‌گذارند. از سیاق این فراز، چنین مستفاد است که گذر عمر سبب بیداری انسان می‌شود، چون به طور طبیعی خود را مسافر آخرت می‌داند و همین مقوله، سبب دوری از هوای نفس شده، تمرکز جدی بر سرنوشت نهایی می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۹: ۴۷۱)؛ بدین تعبیر که: در این شرایط، کسی انتظار تمرکز بر غیر خود را ندارد؛ ولی اندازه‌ای برای من مهم بوده‌ای که بخشی از وجود، بلکه تمام وجود من هستی و آسیب و مرگ تو، آسیب و مرگ من خواهد بود؛ به همین سبب کار تو را مانند کار خود می‌دانم. در این قسمت، گویا خبری از فاصله نسلی نبوده و دو نفر به وحدت رسیدند. در نهایت، سبب نگارش نامه را با این تعبیر بیان می‌کند که: این نامه را نوشتم تا تکیه‌گاهی برای تو باشد، چه من بمانم و چه نمانم. عبارت: «إِنَّ أَنَا بَقِيْتُ لَكَ أَوْ قَبِيْتُ»، بیانگر اوج مواجهه عاطفی و احساسی و ایثار (نک: نواب لاهیجانی، ۱۳۵۶، ج ۱: ۲۵۱) است؛ به گونه‌ای که به فرزند چنین القا می‌کند که در اصل تو مهم هستی و متکلم (پدر) در این بیان دیده نمی‌شود.

در خاتمه باید افزود که ارتباط عاطفی در اشکال مختلفی قابل انتقال است؛ از جمله: صریح؛ در این نوع پیام، جنبه عاطفی به صراحت در سخنان فرد بیان می‌شود. ضمنی؛ در این نوع پیام، احساسات به شکل علنی بیان نمی‌شود، بلکه به طور ضمنی در پیام نهفته است. استنباطی؛ گاهی باید مؤلفه‌های عاطفی را از محتوای ابزار غیر کلامی استنباط کرد؛ یعنی از جنبه‌های غیر کلامی و پیرایه‌بانی آن (هارجی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۴۷). در نامه ۳۱ نهج البلاغه، هر سه شکل پیش گفته به وفور قابل رؤیت است.

۴. ایجاد زبان مشترک بین نسلی

امکان ارتباط کلامی و امتداد آن، متناسب با داشتن ذهنیت مشترک است. در روابط انسانی، لازمه ارتباط کلامی، داشتن دانایی مشترک درباره موضوع یا موضوعاتی است و تا زمانی که مؤلفه مشترک برای صحبت کردن وجود نداشته باشد، ارتباط کلامی بروز و ظهور نخواهد داشت (نک: دهقانی، ۱۴۰۲: ۹۶). بعد از کاربست چارچوب عاطفی برای انتقال محتوا، اولین گام برای زایل کردن فاصله نسلی، تمرکز بر مشترکات است. گفتنی است که تصویر ذهنی مشترک، انواع ارزشها، قضاوتها، و دانشهایی را آشکار می‌کند که افراد با آنها زندگی می‌کرده‌اند و هر یک فکر می‌کرده‌اند تنها خودشان آنها را در اختیار دارد. تصمیم‌های متعددی که با ایجاد تصاویر ذهنی مشترک، برای ایجاد وفاق گرفته می‌شوند، روابط اجتماعی را تحکیم می‌بخشند و جدای از راهی که هر کس باید بر سر دوراهی انتخاب کند، به این هدف کلی پاسخ می‌دهند. (لازار، ۱۳۹۴: ۱۲۸-۱۲۷)

بر این اساس، حضرت علی (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه، با نگاهی حکیمانه و تحلیل گرایانه، مقوله آخرت را نه فقط به عنوان مقصد نهایی، بلکه به مثابه حقیقت مشترک میان نسلها مطرح می‌کنند. ایشان در بخشی از نامه می‌فرمایند: «وَإِقْبَالَ الْآخِرَةِ إِلَيَّ مَا يَزَعُنِي عَنْ ذِكْرٍ مَنْ سِوَايَ وَالْإِهْتِمَامَ بِمَا وَرَائِي...»؛ یعنی روی آوردن آخرت، موجب قطع توجه از غیر و تمرکز بر باطن خویش شده است.

در این موضع تربیتی، امام علی (ع) با تأکید بر بی‌اعتباری دنیا در برابر آخرت (نک: مؤید، ۱۴۲۴، ج ۵: ۲۲۷۵؛ کاشانی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۵۹)، گوهر آخرت را به عنوان بنیان معرفتی انتخاب می‌کنند که می‌تواند «زبان مشترک» میان پدر و فرزند، پیر و جوان و تجربه و امید باشد؛ زیرا در گذر زمان، هر انسانی - فارغ از جایگاه سنی - با واقعیت مرگ، فنا و آینده جاودان روبه‌روست. این مشترکات، بستری فراهم می‌کنند برای گفتگویی صمیمانه و بین نسلی که در آن، آخرت نه ابزار موعظه، بلکه منبع فهم متقابل و همدلی اخلاقی است. از این منظر، حضرت علی (ع) تربیت را بر پایه درک مشترک از حقیقت وجودی بنا می‌نهند؛ حقیقتی که زمان، مرگ و معاد، همگی مؤید آن‌اند و تنها از مسیر این درک است که اصلاح، حکمت و رشد ممکن می‌شود.

۵. توسعه و تعمیق مشترکات متناظر با مؤلفه‌های نسلی فرزند

برای تداوم ارتباط کلامی و از بین بردن فاصله نسلی، باید به توسعه و تعمیق مشترکات، آن هم متناظر با مؤلفه‌های نسلی فرزند پرداخت. اصلی‌ترین ویژگی نسلی نوجوان و جوان، حالت حساسیت، احساسات و هیجانات شدید (نک: دبس، ۱۳۷۰: ۱۵۰) و این دوره، دوره حساس طوفانهای عاطفی است (نک: بلاو اسپنله، ۱۳۷۲: ۲۹۵)؛ جوانان برای عبور از این مؤلفه‌ها، نیاز به نقشهای جدیدی چون عقلگرایی و امساک و تجربه دارند (نک: همان: ۲۹۸). بر این اساس، امام علی (ع) در نامه ۳۱، ضمن توسعه مشترکات، به تربیت دینی و عقلانی می‌پردازند.

در این فراز نامه، مقوله بنیادین «معاد» را که برای نسل پدر به طور ملموس و محسوس ظهور دارد و برای نسل فرزند، جزء بدیهیات اولیه است، توسعه می‌دهند. همچنین برای حذر از آسیبهای احتمالی آن، برنامه دینی و عقلانی، چون: توصیه به تقوای الهی، پیوستگی مداومت در بندگی و تقویت رابطه با خداوند را بیان کرده و در نهایت، آرامش واقعی را در گرو یاد مرگ، نابودی و یاد گذشتگان معرفی کرده‌اند: «... وَ ذَلَّلَهُ بِذِكْرِ الْمَوْتِ وَ قَرَّرَهُ بِالْفَنَاءِ...» (نامه ۳۱)؛ یاد مرگ و اعتراف به نیستی و فنا، همه انسانها را با هر ویژگی، به تسلیم و می‌دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۹: ۴۸۱). کثرت یاد مرگ، سبب ترس و اصلاح می‌شود (نک: ابن

میثم، ۱۳۷۵، ج ۵: ۱۲). در نهایت، متناظر با زبان مشترک، ناپایداری دنیا را نسبت به آخرت، با این تعبیر که: «...وَلَا تَبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ...» (آخرت را به دنیا مفروش) گوشزد می‌کنند. حضرت در ابتدای این فراز، همچنان متناظر با مؤلفه نسلی جوان، چارچوب عاطفی صریح «أَيُّ بُنَى» را به کار بسته‌اند و در نهایت، اصول بنیادین گذر را سن پر آشوب هیجانانگیز و احساسات و وصول به عقلانیت بیان می‌کنند: «وَدَعِ الْقَوْلَ فِيمَا لَا تَعْرِفُ وَالْخَطَابَ فِيمَا لَمْ تُكَلِّفْ وَ أَمْسِكْ عَنْ طَرِيقِ إِذَا خَفْتَ ضَلَالَتَهُ فَإِنَّ الْكُفَّ عِنْدَ حَيْرَةِ الضَّلَالِ خَيْرٌ مِنْ رُكُوبِ الْأَهْوَالِ» (نامه ۳۱). لزوم عدم تکلم بدون علم، سکوت و جرأت قدم نگذاشتن در مسیری که انتهای آن تباهی است، از این بیان مستفاد است که همه این مؤلفه‌ها متناسب با عقلانیت دینی است.

۶. تربیت اجتماعی

نقشهای اجتماعی کامل‌ترین جلوه اجتماعی خود را دو دوره جوانی نشان می‌دهند (نک: بلاو اسپنله، ۱۳۷۲: ۲۹۸). به همین سبب، یکی از مؤلفه‌های اصلی نسل جوان، مؤلفه‌های اجتماعی و حضور گسترده در اجتماع است. بر این اساس، برای کم کردن فاصله نسلی باید ضمن دانایی با مؤلفه‌های اجتماعی، به تربیت اجتماعی همت گماشت. بدین منظور باید برای تعدیل و اصلاح روابط اجتماعی جوانان با محوریت ارتباط میان فردی اقدام کرد. در هر رابطه اجتماعی، ارتباط به شکل معناداری دخیل است و پایه و اساس کنش اجتماعی، ارتباط میان فردی است (لازار، ۱۳۹۴: ۱۰۶). رابطه والدین با فرزندان به دلیل نامتوازن بودن ریشه‌های قدرت حاکم بر این روابط، همچنین به سبب اهمیت کانونی آنها برای فرایند اجتماعی شدن فرزندان، کاملاً مهم و استثنایی است. پیوندهای فشرده‌ای که بین والدین از یک سو و فرزندان از سوی دیگر برقرار است، در متن وابستگی‌های دوران کودکی شکل می‌گیرند؛ ولی این پیوندها در عین حال زنجیره‌هایی را می‌سازند که فرزندان در میان حلقه‌های به هم پیوسته آنها مهارتهای لازم را برای برقراری رابطه ناب در زندگی آینده یاد می‌گیرند (نک: گیدنز، ۱۳۹۴: ۱۴۳). از آنجا که والدین بر فرزندان نفوذ اجتماعی دارند، می‌توانند نقشی مؤثر در تربیت اجتماعی داشته باشند. توان تحت تأثیر قرار دادن دیگران با رفتار و گفتار را نفوذ اجتماعی می‌نامند، همچنین، توان و قدرت هماهنگ کردن شخص با گروه مد نظر، مفهوم نفوذ اجتماعی در روان‌شناسی اجتماعی است (کریمی، ۱۳۸۴: ۷۳). برای تغییر در نگرش و کنش افراد و گروه‌ها، از نفوذ اجتماعی استفاده می‌شود. از آنجا که کنشهای انسان مبنای شناختی دارد، تغییر نگرش بر اساس ادراک کلامی می‌تواند نمونه‌ای از نفوذ اجتماعی باشد (همان: ۷۴). بر

این اساس، حضرت علی(ع) با نفوذ اجتماعی، در راستای تغییر نگرش فرزند جوان خود است.

حضرت علی(ع) در فراز اجتماعی نامه ۳۱، تربیت اجتماعی نسل جوان را بر پایه تعهد، مسئولیت‌پذیری و کنشگری اخلاقی بنا می‌نهند. این آموزه‌ها به ویژه درباره نسلی مطرح می‌شود که بیشترین تعامل را با فضای اجتماعی دارد و در معرض آسیبهای فکری، رفتاری و ارتباطی گوناگون است. نخستین و برجسته‌ترین مؤلفه، توصیه به عدم بی‌تفاوتی نسبت به جامعه از طریق دعوت صریح به امر به معروف و نهی از منکر است: «وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ وَانْكُرِ الْمُنْكَرَ بِيَدِكَ وَلسَانِكَ...». این بیان نشان می‌دهد که مشارکت در اصلاح اجتماعی، نه از جنس توصیه‌های نظری، بلکه تعهدی عملی است که ابزار آن، زبان و رفتار مؤمنانه است. مطابق تحلیل ابن میثم، این وظیفه اخلاقی برای حفظ بافت جامعه ضروری است (ابن میثم، ۱۴۰۴، ج ۵: ۱۰). در ادامه، حضرت(ع) معیار تشخیص مسیر درست را نیز با اشاره به مجاهده خالصانه در راه خدا تبیین می‌فرمایند: «جَاهِدْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ». این معیار، مخاطب را از پیروی معیارهای متغیر اجتماعی برحذر می‌دارد و به ثبات ارزش‌مدار دعوت می‌کند؛ اگر این پایداری با مخالفتها و انتقادهایی همراه باشد: «وَلَا تَأْخُذْكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَأَنَّمْ». در واقع؛ حضرت علی(ع) فضای اجتماعی را میدان تضارب ارزشها معرفی می‌کنند؛ اما فرد مؤمن را مخاطب قرار می‌دهند که باید با شجاعت اخلاقی و فارغ از ملاحظات شخصی، به مسیر حق پایبند باشد، اگرچه این پایبندی به قیمت گسست برخی روابط و منافع دنیوی تمام شود.

در سیاق پایانی، امام(ع) با ظرافت تربیتی، راهکار برون‌رفت از آسیبهای اجتماعی را نیز ارائه می‌دهند؛ تقویت سلامت معنوی از طریق ارتباط مستمر با خداوند، دعا و اخلاص. این مسیر نه تنها حفاظتی در برابر انحراف، بلکه عاملی برای تلطیف روح و تثبیت پایگاه اخلاقی انسان در جامعه است.

۷. کاربرست تجربه‌گرایی در قالب داده‌های تاریخی

یکی دیگر از مؤلفه‌های زایل کردن فاصله نسلی، انتقال محتوا و پیام در قالب داده‌های تاریخی و بر اساس تجربه‌گرایی است. از آنجا که تاریخ و تجربیات تاریخی فراروی نسل جوان است و قابل انکار نیست، استفاده تربیتی از آنها می‌تواند در کاهش فاصله نسلی مؤثر باشد؛ چون تاریخ، تجارب گذشتگان را به تجربه انسان اضافه و زندگی انسان را غنی‌تر کرده

است و در نهایت، با تمرکز بر تجارب گذشتگان، تصمیم‌گیری در زندگی عقلانی است. (قاسم‌زاده و سلیمانی، ۱۴۰۱: ۳۴)

حضرت علی (ع) ضمن توجه دادن به گذر عمر و گوشزد کردن آمادگی یادگیری در نوجوان و پذیرش قلبشان، به تربیت تاریخی اشاره می‌کنند؛ با این تعبیر که اگر نوجوانان از تجربه دیگران استفاده کنند، از تلاش مجدد بی‌نیاز می‌شوند (نامه ۳۱). گفتنی است که به سبب مشابهت در سنت‌های مطلق و مشروط الهی در زندگی، تجربیات تاریخی، کاربرد مفیدی در زندگی انسانهای امروز و آینده دارند (مردانی و عابدی، ۱۳۹۵: ۱۰۶). از جمله مهم‌ترین اهداف تعلیم و تربیت بر اساس تاریخ، تربیت نسل جوان شمرده شده است. تاریخ با تعبیر آموزش‌دهنده عقل و احساس، جایگاه مهمی در حیات جامعه دارد. داده‌ها و تجربه‌های تاریخی از اصلی‌ترین ساحت فهم و درک اجتماعی‌اند که با فقدان آنها، وصل به کمال برای انسان گُند می‌شود. (قاسم‌زاده و سلیمانی، ۱۴۰۱: ۳۳)

در ادامه سیاق، توجه و تمرکز بر تجربه‌گرایی را در زندگی خودشان برای تشویق فرزند، اینگونه تصویرسازی می‌کنند که گویا با گذشتگان زندگی کرده‌اند: بر اساس تجربه‌گرایی، قسمتهای تلخ و شیرین داده‌های تاریخی، حامل پیامهای راهگشاست. زندگی چیزی جز تجربه نیست و در این مسیر از تجارب دیگران باید استفاده کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۹: ۵۱۶). در ادامه فراز، حضرت علی (ع) بیان می‌کنند که از حوادث گذشته، بهترینها را برای فرزندش گلچین کرده است. در نهایت به فلسفه کارکرد تجربه در زندگی نوجوانان، اینگونه اشاره کرده‌اند که آغاز زندگی بوده و مواجهه تازه با روزگار دارند و از طرفی دارای نیت سالم و روح با صفا هستند: «...وَأَنْتَ مُقْبِلُ الْعُمُرِ وَمُقْتَبِلُ الدَّهْرِ ذُو نِيَّةٍ سَلِيمَةٍ وَنَفْسٍ صَافِيَةٍ» (نامه ۳۱). همچنین، توجه دادن جوانان به داده‌های تاریخی، سبب حس خودشناسی و هویت‌یابی به واسطه تفکر در حوادث تاریخی و عبرت‌آموزی از آن و در نهایت، به دست آوردن انبوهی از اعمال مناسب، متناظر با آموزه‌های تاریخی، به نگرش و جهان‌بینی کامل و منسجمی، جهت فهم و تفسیر مفاهیم اساسی زندگی منجر می‌شود. (قاسم‌زاده و قدمی، ۱۴۰۲: ۴۳)

حضرت علی (ع) بر اساس هدف نهایی تربیت و وسیله وصول به این هدف نهایی، تأکید و تمرکز بیشتری برای مطالعه تاریخی دارد. تحت تعلیم تاریخ واقع شدن؛ یعنی انسان حوادث گذشته را ارزیابی کرده، قواعد و ملاکهای کلی را از لابه‌لای داده‌های تاریخی استخراج کند و آن قواعد را برای به‌زیستی و در جهت سبک زندگی بهتر به کار ببندد. بر اساس گفتمان نهج‌البلاغه، تاریخ غنی‌ترین منبع آثار و فوایدی چون: پرورش عقلانی، بیداری از

غفلت، مرگ آگاهی، اخلاق عملی، گرایش به تقوا، زهد، حیا، اسوه‌پردازی، مراقبه و محاسبه است. (مردانی و عابدی، ۱۳۹۵: ۱۰۰)

در نهایت اینکه، تجربه‌گرایی کارکردهای دیگری نیز مانند شکل‌گیری هویت و الگوگیری دارد. بدین تعبیر که عوامل تاریخی و اجتماعی بر شکل‌گیری هویت خود تأثیر می‌گذارند و این به نوبه خود ماهیت شخصیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد (شولتز و شولتز، ۱۳۸۶: ۲۶۹). الگوگیری کلامی اغلب برای ارائه دستورالعملها استفاده می‌شود؛ روشی که برای آموزش مهارت‌های کاربردی زندگی قابل استفاده است. این دستورالعملها معمولاً کامل‌کننده نمایشات رفتاری‌اند (همان: ۴۵۳)؛ ویژگی‌های الگوها که بر گرایش اشخاص به تقلید کردن از آنها تأثیر می‌گذارند. انسانها در زندگی عملی، بیشتر تحت تأثیر کسی قرار می‌گیرند که شبیه آنهاست (همان: ۴۵۴) و تجربه‌گرایی، الگوهای متعدد و متنوعی در اختیار نوجوانان و جوانان قرار می‌دهد.

۸. کاربست تربیت اخلاقی و دینی

تربیت اخلاقی و دینی یکی از پیش‌زمینه‌های کاهش فاصله نسلی است. تربیت اخلاقی، سخت‌ترین قسمت تربیت شخصیت است. برخی از مؤلفه‌های زندگی اخلاقی به صورت قهری و به عنوان سنت‌های اجتماعی بر شخص اضافه می‌شود. منشأ پیدایش زندگی اخلاقی، تعالی به سمت خیر است و این تعالی، متناظر با شخصیتی است که خودمختاری، اصلی‌ترین خصیصه آن است و اخلاق و دین، کامل‌کننده این حیات است (دبس، ۱۳۷۰: ۱۶۶-۱۶۵). حضرت علی (ع) تربیت قرآنی را به عنوان گامی بنیادین در تربیت نوجوانان به کار بسته و آن را اولین گام تربیت قرار داده‌اند: «وَأَنْ أَيْدِيكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَتَأْوِيلِهِ...».

بر این اساس، قرآن به همراه تفسیر، شریعت اسلام از حلال و حرام، مورد تعلیم حضرت (ع) بوده است. عالی‌ترین منبع تعلیمات اسلام، قرآن کریم است. (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۹: ۵۲۲؛ موسوی، ۱۴۱۸، ج ۴: ۲۸۸)

در امتداد ساختار نامه ۳۱ نهج البلاغه، گرچه مضامین تربیت اخلاقی و دینی در بخش‌های پیشین به صورت نسبتاً کامل ترسیم شده‌اند، اما نگرانی عمیق حضرت علی (ع) از آسیب‌های اجتماعی، انحرافات شبه‌ناک و گم‌گشتگی‌های رفتاری نسل جوان، ایشان را بر آن داشت تا در قالب وصیتی تفصیلی، به تنظیم اصول بنیادین تربیت ایمانی و عقلانی بپردازند. در این چارچوب، ایشان از مفاهیمی چون: خشیت خداوند، التزام به واجبات الهی، ارتباط هدفمند با خدا بر پایه معرفت و درک صحیح، به عنوان ارکان اصلی تربیت قرآنی یاد می‌کنند. این

مؤلفه‌ها نه فقط جنبه توصیه‌ای دارند، بلکه زمینه‌ساز ارتقای عقلانیت اخلاقی نسل نوجوان‌اند؛ زیرا نوجوان در فرایند رشد، بیش از هر چیز، نیازمند محورهایی است که قدرت تحلیل، انتخاب و تشخیص را در او تقویت کنند. از سوی دیگر، طرح این آموزه‌ها در قالب وصیت‌نامه، برخاسته از توجه عمیق امام به فاصله‌های نسلی و ضرورت ایجاد «درک مشترک» است. وصیت نه تنها تبلور تجربه‌های زیسته، بلکه ابزاری ارتباطی برای انتقال حکمت میان نسلهای متفاوت است. به این ترتیب، امام علی (ع) با تلفیق مضامین دینی و تربیتی، تلاش می‌کند شکافهای فکری و رفتاری میان نسل پدر و فرزند را کاهش دهند و فهم مشترکی بر پایه عقل، ایمان و آگاهی محور بسازند.

۹. عقلانیت ملازم با اخوت‌گرایی

در ادامه فراز نامه، حضرت علی (ع) با تمرکز بر زبان مشترک بین‌نسلی؛ یعنی معاد و مرگ و متناظر با چارچوب نسلی جوانان، عقلانیت معنوی را مد نظر قرار می‌دهند. بعد از خداشناسی، حکمت حوادث و عدم آگاهی نسل جوان از فلسفه حوادث را یادآوری کرده، برای عدم آسیب، پناه بردن و توکل به صاحب مرگ و زندگی متناظر با دانایی مشترک لازم می‌دانند. در نهایت این فراز نیز به بعد تفاوت دو نسل؛ یعنی عقلانیت کامل نسل پدر و احساسات و عواطف نسل فرزند اشاره کرده، نشان می‌دهند که تمرکز به عقلانیت ملازم با معنویات، فاصله نسلی فرزند و پدر را کاهش داده، به دنیای نسلی پدر وارد می‌کند: «... فَأَيُّ لَمْ أَلِكْ نَصِيحَةً وَإِنَّكَ لَنْ تَبْلُغَ فِي النَّظَرِ لِنَفْسِكَ وَإِنْ اجْتَهَدْتَ مَبْلَغَ نَظَرِي لَكَ». (نامه ۳۱)

بر این اساس، نهایت تلاش پدر برای عاقبت‌به‌خیری و به‌زیستی فرزند را به تصویر می‌کشند؛ به گونه‌ای که فرزند هر چقدر در این مسیر تلاش کند و به اصلاح خود بپردازد، مانند پدر، دلسوز و کارساز خواهد بود و این با عقلانیت نسلی پدر مرتبط است.

۱۰. تمرکز بر ملاکهای روابط اجتماعی نسل جوان

دوره جوانی، دوره رشد و تحول است و در این دوران، شخصیت فرد شکل می‌گیرد و ارزشهای اجتماعی‌اش تثبیت می‌شود (صفری و حقی، ۱۴۰۲: ۲۴۱)؛ به همین سبب، تمرکز بر ملاکهای روابط اجتماعی می‌تواند در کاهش فاصله نسلی مؤثر باشد. حمایت اجتماعی، از شاخصه‌های تأثیرگذار شخصیت و عزت نفس جوانان است. با تقویت سطح حمایت اجتماعی، در گام نخست، دریافت حمایت از والدین و خانواده، میزان ارزشمندی جوانان را بالا برده و در نهایت جوانان احساس بهتری به خودشان خواهند داشت (آزاده و عبادی، ۱۳۹۲: ۱۱). منبع اصلی حمایت اجتماعی در نسل جوان برای وصول به سلامت اجتماعی، نهاد خانواده

است و یکی از مؤلفه‌های حمایت، تشویق جوانان به منظور فعال شدن در اجتماع و رویدادهای اجتماعی است (نک: نوربخش و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۵۷). حضرت علی (ع) برای زایل کردن فاصله نسلی، به تعلیم مهارت‌های اجتماعی می‌پردازند. مجموعه‌ای از رفتارهای دارای هدف، به هم پیوسته و متناسب با وضعیت معلومات و تحت کنترل شخصی، مهارت‌های اجتماعی نامیده می‌شود. (احمدی و معینی، ۱۳۹۴: ۱۳)

در این فراز نامه، حضرت به جوانان تعلیم می‌دهند که برای موفقیت در روابط اجتماعی و تقویت سلامت اجتماعی، باید هر چیزی که برای خود خوشایند و بهتر می‌دانند، برای دیگران نیز خوشایند بدانند. همچنین از آنچه برای خود مورد کراهت است، عیناً برای دیگران نیز همین حق و احساس را قائل شوند. بر این اساس، قاعده طلایی توجه به خویشان در ارتباطات اجتماعی: «یا بُنَّیَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ...» (نامه ۳۱)، مهم‌ترین ضامن سلامت اجتماعی است. در نهایت، اصلی‌ترین عامل چالش‌زا در روابط اجتماعی جوانان را غرور و تکبر می‌دانند.

اهمیت سلامت اجتماعی برای عموم افراد جامعه، واضح و مبرهن است؛ اما این بُعد از سلامت برای نسل جوان اهمیتی دوچندان دارد. به سبب نقش پررنگ جوانان در اجتماع، سلامت اجتماعی جوانان بر کل جامعه اثر مستقیم می‌گذارد (سفیری و شایسته، ۱۳۹۴: ۷). بنابراین، توجه به ملاک‌های روابط اجتماعی جوانان از طرف والدین، با وجود تقویت سلامت اجتماعی، باعث کاهش فاصله نسلی خواهد شد.

۱۱. کاربست انرژی جوانی برای معناداری زندگی و تلاش

در ادامه فراز نامه حضرت علی (ع) متناظر با مؤلفه‌های نسلی فرزند، وجود راهی سخت و بسیار طولانی فراروی جوان است که اصلی‌ترین رسالت در این مسیر، کاربست انرژی جوانی و تلاش است (نک: نامه ۳۱). در سن جوانی، انرژی سرشار و قدرت بدنی بالا وجود دارد. لذا حضرت برای سعادت‌مندی، توصیه‌های برای کاربست این انرژی به منظور معناداری زندگی و تلاش می‌کنند؛ از جمله: کمک به فقرا، انفاق و قرض دادن و همه این موارد با ترسیم نتیجه اخروی آنها و در نهایت وصول به سعادت‌مندی ابدی و بهشت گوشزد می‌شوند (نک: نامه ۳۱). گفتنی است معناداری تلاش، متناظر با زبان مشترک بین‌نسلی، یعنی معاد است و به همین سبب، برای زایل کردن فاصله نسلی و ایجاد دانایی مشترک، مفید خواهد بود.

۱۲. کاربست واقعیت‌درمانی در زندگی

حضرت علی(ع) در این فراز نامه، برای رساندن جوانان به عقلانیت و در نتیجه، ایجاد دانایی مشترک و رفع فاصله نسلی، واقعیت‌درمانی را به کار برده‌اند. متناظر با مؤلفه‌های نسلی جوانان، پذیرش واقعیت، اولین گام تغییر نگرش و وصول به گفتمان نسلی پدر است؛ چون بر اساس تجربه‌های زندگی، نسل والدین واقعیت‌های تلخ و شیرین بسیاری را لمس کرده‌اند و واقعیت‌درمانی می‌تواند زبان مشترک بین‌النسلی برای قرابت و نزدیکی دو نسل باشد.

واقعیت‌درمانی بر سه اصل قبول واقعیت، قضاوت درباره درستی و نادرستی رفتار و پذیرش مسئولیت اعمال و رفتار استوار است. شخص باید واقعیت را بپذیرد و از وقایع گذشته برای توجیه رفتار غیر مسؤله استفاده نکند. گامهای انجام واقعیت‌درمانی عبارتند از: برقراری ارتباط عاطفی، تأکید بر رفتار و نه احساسات، تأکید بر رفتار در زمان حال، قضاوت درباره رفتار، تهیه طرح و برنامه، تعهد به انجام برنامه، پذیرفتن هیچ‌گونه عذر و بهانه و حذف تنبیه (شفیع‌آبادی، ۱۳۹۶: ۶۴). بنابر این، دقت در فراز نامه، بیانگر این نکته است که حضرت ضمن برقراری ارتباط عاطفی، رفتارهایی را مد نظر قرار داده و بر آنها تأکید کرده و درباره برخی رفتارها و اعتبار آنها، قضاوت و ارزیابی کرده‌اند.

بر این اساس، حضرت، فرزند خود را با واقعیت‌هایی چون نرسیدن به همه آرزوها، طولانی بودن فرصت زندگی، عدم تعجیل در به دست آوردن دنیا، نیکو عمل کردن در مصرف داشته‌ها، لزوماً هر تلاش به معنای رسیدن به هدف نیست، هلاکت عاقبت طمع‌ورزی (نک: نامه ۳۱) آشنا می‌کنند و در ادامه، متناظر با قضاوت درباره درستی و نادرستی رفتار و پذیرش مسئولیت اعمال و رفتار، توصیه‌هایی چون: برده دیگران نبودن، عدم کاربست هر وسیله‌ای برای رسیدن به هدف، زینت بودن سکوت، حفظ اسرار، عدم تکیه بر آرزوها، پند گرفتن از تجربه‌ها، استفاده کامل از فرصتها، دوری از لقمه حرام و ستمگری، زایل نکردن توشه آخرت، عدم دوستی با دوست متهم، دوری از ستیزه‌جویی و ... را تذکر می‌دهند. (نک: نامه ۳۱)

۱۳. شناخت تفاوت‌های زن و مرد

از آنجا که دوره نوجوانی و جوانی، دوره حساس طوفانهای عاطفی‌اند (نک: بلا و اسپنله، ۱۳۷۲: ۲۹۵) و نقشهای اجتماعی، کامل‌ترین جلوه اجتماعی خود را در زمان وصول به مقام زناشویی خواهند یافت؛ اما از مدتها قبل به تدریج در زندگی نوجوان راه یافته‌اند. در این برهه، جنسیت به صورت ارزشی عاطفی درمی‌آید که اطرافیان بر آن تأکید می‌کنند و جوانها به الزامات اجتماعی و احساس تعلق جنسی خود مطلع می‌شوند و به گونه‌های متفاوت با آن مواجه

می‌شوند(نک: همان: ۲۹۸). بر این اساس، شناخت تفاوت‌های زن و مرد، متناظر با مؤلفه سنی جوانان در مقوله ازدواج، می‌تواند به عنوان زبان مشترک بین‌نسلی برای ایجاد دانایی مشترک و رفع فاصله نسلی به کار بسته شود.

بنابر این، حضرت علی(ع)، مؤلفه‌هایی چون: احساسی بودن زنان، لزوم عقیفه بودن، ظرافت خلقت، پرهیز از افراط و تفریط در مواجهه با زنان در زندگی زناشویی، لزوم تکریم خویشاوندان و ذکر کارکرد و منافع آنان در زندگی را برای گذر از دوران بحرانی جوانی و وصول به عقلانیت، متناظر با مؤلفه‌های نسلی پدر، برای فرزند جوان متذکر می‌شود.(نک: نامه ۳۱)

(د) نتیجه‌گیری

نامه ۳۱ نهج‌البلاغه، گفتگویی هدفمند میان امام علی(ع) و فرزند جوانش امام حسن(ع) و نمونه‌ای بی‌بدیل از ارتباط بین نسلی در قالبی تربیتی، عاطفی و عقلانی است. این نامه نه تنها حامل مفاهیم اخلاقی و تربیتی است، بلکه به عنوان الگویی برای کاهش فاصله نسلی در عصر حاضر، قابل تحلیل و بهره‌برداری است.

در بُعد ارتباطی، نامه ۳۱ را می‌توان به مثابه ارتباط کلامی هدفمند در راستای تغییر نگرش و رفتار نسل جوان دانست. نخستین گام در این مسیر، شناخت دقیق مؤلفه‌های نسلی والدین است؛ زیرا والدینی که از ویژگی‌ها، دغدغه‌ها و چالش‌های نسلی خود آگاهی ندارند، نه تنها درک درستی از فاصله نسلی نخواهند داشت، بلکه تلاش‌هایشان برای ایجاد صمیمیت با فرزندان ممکن است نتیجه‌ای معکوس داشته باشد. در کنار آن، شناخت مؤلفه‌های نسلی فرزندان نیز اهمیت بسزایی دارد؛ زیرا یکی از عوامل اصلی فاصله نسلی، احساس عدم درک‌شدگی از سوی نسل جوان است که انگیزه ارتباط را کاهش می‌دهد. ایجاد زبان مشترک میان نسلها، مستلزم داشتن دانایی مشترک و ذهنیتی همراستاست؛ بدون آن، ارتباط کلامی مؤثر شکل نمی‌گیرد. توسعه و تعمیق مشترکات، به ویژه متناظر با ویژگی‌های نسلی فرزندان، گام مؤثری در تداوم ارتباط و کاهش فاصله نسلی خواهد بود.

در حوزه تربیتی، امام علی(ع) با بهره‌گیری از چارچوب عاطفی متناسب با سن فرزند، عنصر محبت و همدلی را در کانون تربیت قرار می‌دهد. این شیوه، تعارض‌های نسلی را کاهش داده، زمینه‌ساز همدلی و تفاهم می‌شود. همچنین، کاربست تجربه‌گرایی در نامه، بهره‌گیری از تاریخ و تجربیات زیسته نسل والدین را به عنوان ابزار تربیتی معرفی می‌کند. واقعیت‌درمانی نیز از دیگر تکنیک‌های تربیتی حضرت علی(ع) است؛ پذیرش واقعیت‌های زندگی، نخستین

گام در تغییر نگرش نسل جوان و رسیدن به عقلانیت مشترک است. در این مسیر، عقلانیت معنوی نیز نقش مهمی دارد؛ امام علی (ع) با تمرکز بر مفاهیم بنیادینی مانند مرگ و معاد، زبان مشترکی میان نسلهای ایجاد کرده، تربیت معنوی را در بستر عقلانیت سامان می‌دهد.

در بُعد فرهنگی، آموزه‌های نهج‌البلاغه، به ویژه در زمینه تفاوت‌های جنسیتی در ازدواج، بستری برای ایجاد دانایی مشترک و کاهش فاصله نسلی فراهم می‌سازد. شناخت تفاوت‌های زن و مرد در قالب فرهنگی ازدواج، زمینه‌ساز درک متقابل و هم‌افزایی تربیتی میان نسلهاست. همچنین، بهره‌گیری از سنت اسلامی و آموزه‌های نهج‌البلاغه، به عنوان منشور تربیتی، ظرفیت پاسخگویی به چالش‌های نوظهور فرهنگی را داراست.

در مقوله اجتماعی، توجه به مؤلفه‌های روابط اجتماعی نسل جوان، از جمله حضور فعال در اجتماع، ضرورت تربیت اجتماعی را برجسته می‌سازد. امام علی (ع) با شناخت این مؤلفه‌ها، تربیت اجتماعی را در کنار تربیت فردی مورد توجه قرار داده، الگویی جامع برای تعامل با نسل جوان ارائه می‌دهد.

در مجموع، نامه ۳۱ نهج‌البلاغه با بهره‌گیری از تکنیک‌های ارتباطی، تربیتی، فرهنگی و اجتماعی، الگویی عملیاتی برای کاهش فاصله نسلی و ایجاد همدلی میان نسلهای ارائه می‌دهد. این نامه، نه تنها گفتگویی میان دو انسان کامل است، بلکه منشوری تربیتی برای همه انسانها در مواجهه با نسلهای متفاوت به شمار می‌رود.

پیشنادهای کاربردی متناسب با شرایط امروز متناظر با نتایج

- آموزش والدین در شناخت مؤلفه‌های نسلی خود و فرزندانشان؛ برگزاری کارگاههای تربیتی برای والدین با محوریت روان‌شناسی نسلهای و تفاوت‌های نگرشی و رفتاری، می‌تواند آگاهی آنان را افزایش داده، زمینه‌ساز ارتباط مؤثر شود.
- تقویت زبان مشترک بین نسلی از طریق رسانه‌های تعاملی؛ تولید محتوای چندرسانه‌ای (پادکست، ویدئو، کتابچه‌های دیجیتال) با محوریت ارزشهای مشترک، تجربه‌های تاریخی و دغدغه‌های نسل جوان، می‌تواند بستری برای گفتگوی بین‌نسلی فراهم کند.
- بازطراحی نظام آموزشی با رویکرد تربیت اجتماعی و همدلانه؛ گنجاندن مفاهیم همدلی، تجربه‌گرایی و عقلانیت معنوی در برنامه‌های درسی مدارس و دانشگاهها، به ویژه در درس تربیتی و دینی، می‌تواند نسل جوان را برای تعامل مؤثر با نسلهای دیگر آماده کند.

- استفاده از مشاوره‌های خانوادگی مبتنی بر واقعیت‌درمانی؛ مراکز مشاوره خانواده می‌توانند با بهره‌گیری از تکنیک‌های واقعیت‌درمانی، به والدین و فرزندان کمک کنند تا از طریق پذیرش واقعیت‌های زندگی، به درک مشترک و همدلی برسند.
- توجه به تفاوت‌های جنسیتی در تربیت و ازدواج؛ باید شامل شناخت تفاوت‌های روان‌شناختی زن و مرد و نحوه تعامل مؤثر میان آنان باشد تا از بروز شکاف‌های جدید در نسل آینده جلوگیری شود.



منابع

- نهج البلاغه. تصحیح صبحی صالح.
- آزاده، منصوره اعظم و سیده مریم عبادی (۱۳۹۲). «آزمون رابطه اختلال اجتماعی، حمایت اجتماعی و عزت نفس جوانان». *مطالعات اجتماعی ایران*، ۷(۲): ۲۷-۳۰.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله (۱۴۰۴ ق). *شرح نهج البلاغه*. قم: مکتبه آیت الله المرعشی نجفی.
- ابن میثم، میثم بن علی (۱۳۷۵). *شرح نهج البلاغه*. ترجمه قربانعلی محمدی مقدم و همکاران. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- احمدی، حبیب و مهدی معینی (۱۳۹۴). «بررسی رابطه مهارتهای اجتماعی و رفتارهای پرخطر جوانان: مطالعه موردی شهر شیراز». *پژوهشهای راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، ۴(۹).
- الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۶). «سنجش رابطه گسست نسلی با سبک فرزندآوری پدران». *جوانان و مناسبات نسلی*، ۱: ۲۵-۳۹.
- ایمانی، الهه و همکاران (۱۴۰۲). «مؤلفه‌های اثرگذار بر شکاف نسلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم منطقه چهار شهر تهران از منظر والدین و معلمان (با تأکید بر تربیت دینی)». *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۱: ۳۶-۷.
- بلاو اسپنله، آن ماری (۱۳۷۲). *مفهوم نقش در روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم. مشهد: آستان قدس رضوی.
- دبس، موریس (۱۳۷۰). *مراحل تربیت*. ترجمه علی محمد کاردان. تهران: دانشگاه تهران، چ نهم.
- دهقانی، فرزاد (۱۴۰۲). «منطق دیالوگی و بازخوانی خطوط نانوشته در قرآن کریم». *مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم*، ۷(۲): ۱۳.
- روبرتو، آر. مای لی وب (۱۳۸۰). *ساخت، پدیدآیی و تحول شخصیت*. ترجمه محمود منصور. تهران: دانشگاه تهران و سمت، چ چهارم.
- سفیری، خدیجه و سولماز شایسته (۱۳۹۴). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی خانواده با سلامت اجتماعی جوانان». *مددکاری اجتماعی*، ۴(۳): ۱۳.

- شفیع آبادی، عبدالله (۱۳۹۶). **راهنمایی و مشاوره کودک: مفاهیم و کاربردها**. تهران: سمت، ویراست دوم، چ بیست و سوم.
- شکاری، شیدا و همکاران (۱۴۰۲). «الگوی کاهش شکاف نسلی با بهره‌گیری از شبکه اجتماعی اینستاگرام (تحلیل کیفی مبتنی بر رویکرد داده‌بنیاد)». *جامعه، فرهنگ و رسانه*، ۴۹: ۱۲۵-۱۴۸.
- شوتس ایشل، رایتر (۱۳۹۳). **مبانی جامعه‌شناسی ارتباطات**. ترجمه کرامت‌الله راسخ. تهران: نی، چ دوم.
- شولتز، دوان پی. و سیدنی الن شولتز (۱۳۸۶). **نظریه‌های شخصیت**. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: نشر ویرایش، ویراست هشتم، چ یازدهم.
- صفری، حسین و ناصر حقی (۱۴۰۲). «سلامت اجتماعی جوانان و ارتباط آن با عملکرد خانوادها». *مطالعات سیاسی- اجتماعی تاریخ معاصر ایران*، ۲(۲): ۲۵۱-۲۳۹.
- طبخ حسینی، مریم و همکاران (۱۴۰۲). «جستاری بر پروسه جهانی‌سازی یا جهانی‌شدن با نگاهی بر تهدید یا فرصت بودن شکاف نسلیها در آموزه‌های جامعه‌شناسی جنایی و اسلامی». *مدیریت فرهنگی*، ۶۰: ۱۷-۲۵.
- عاشوری، جمال (۱۳۹۳). «سبک زندگی اسلامی؛ راهکار برخورد با گسست نسلی خانوادها». *پژوهشهای اجتماعی اسلامی*، ۲۰(۱)، ش ۱۰۰.
- فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۹۲). **ارتباطات انسانی**، جلد اول. تهران: خدمات فرهنگی رسا، چ بیست و سوم.
- قاسم‌زاده، افتخار و میثم سلیمانی (۱۴۰۱). «چگونگی آموزش تاریخ به کودکان با تأکید بر نقش تربیتی آن». *پژوهش در آموزش تاریخ*، ۳(۴): ۲۵-۳۷.
- قاسم‌زاده، افتخار و زینب قدمی (۱۴۰۲). «نقش و جایگاه تربیتی آموزش تاریخ در نظام تعلیم و تربیت». *پژوهش در آموزش تاریخ*، ۴(۱): ۳۱-۴۵.
- قطب راوندی، سعید بن هبه‌الله (۱۴۰۶ ق). **منهاج البراعه**. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
- کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله (۱۳۷۸). **تنبيه الغافلین و تذکره العارفين**. تهران: پیام حق.

راهکارهای تربیتی کاهش فاصله نسلی با محوریت نامه ۳۱... ♦ ۲۲۱

- کاظمی پور، عبدالمحمد (۱۳۸۷). نسل ایکس: بررسی جامعه‌شناختی نسل جوان ایرانی. تهران: نی.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۴). روان‌شناسی اجتماعی. تهران: دانشگاه پیام نور.
- گیدنز، آتوننی (۱۳۹۴). تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نی چ دهم.
- لازار، ژودیت (۱۳۹۴). افکار عمومی. ترجمه مرتضی کتبی. تهران: نی چ یازدهم.
- مردانی (گلستانی)، مهدی و سمیه عابدی (۱۳۹۵). «آثار تربیتی تاریخ از نگاه نهج‌البلاغه». معرفت، ۲۵ (۲۲۳): ۹۵-۱۰۸.
- معیدفر، سعید (۱۳۸۳). «شکاف نسلی یا گسست فرهنگی (بررسی شکاف نسلی در ایران)». نامه علوم اجتماعی، ۲۴: ۸۰-۵۵.
- مغنیه، محمدجواد (۱۹۷۹ م). فی ظلال نهج‌البلاغه. بیروت: دارالعلم للملایین، چ سوم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵). پیام امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی، عباس علی (۱۴۱۸ ق). شرح نهج‌البلاغه. بیروت: دارالرسول الأکرم.
- مؤید، یحیی بن حمزه (۱۴۲۴ ق). الدیباچ الوضی. یمن: مؤسسه الإمام زید بن علی الثقافیه.
- نواب لاهیجانی، محمدباقر بن محمد (۱۳۵۶ ق). شرح نهج‌البلاغه. تهران: اخوان کتابچی.
- نوربخش، یونس و همکاران (۱۳۹۶). «بررسی ارتباط بین حمایت اجتماعی و سلامت اجتماعی جوانان مناطق حاشیه‌نشین شهر کرمانشاه». بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۸ (۲): ۲۳۳-۲۵۷.
- هارجی، اوئن؛ کریستین ساندرز و دیوید دیکسون (۱۳۸۶). مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان‌فردی. ترجمه مهرداد فیروزبخت و خشایار بیگی. تهران: رشد، چ چهارم.
- هاشمی خوئی، میرزا حبیب‌الله (۱۳۹۸ ق). منهاج‌البراهه فی شرح نهج‌البلاغه. تحقیق: محمدباقر کمره‌ای. تهران: مکتبه الاسلامیه.
- هوشیاری، نسیبه‌السادات و حسینعلی رحمتی (۱۴۰۱). «بررسی عوامل درون و برون‌خانوادگی مؤثر بر گسست نسلی در خانواده ایرانی». مطالعات تربیتی و روان‌شناختی خانواده، ۶: ۳۱-۹.

- Nahj al-Balagha. Edited by Subhi Salih.
- Ahmadi, Habib & Mehdi Moeini (2015). "Investigating the relationship between social skills and high-risk behaviors among youth: A case study of Shiraz". *Strategic Research on Security and Social Order*, 4(9).
- Ashouri, Jamal (2014). "Islamic lifestyle as a strategy to confront generational disconnection in families". *Islamic Social Research*, 20(1): No. 100.
- Azadeh, Mansoureh Azam & Seyyedeh Maryam Ebadi (2013). "Examining the relationship between social disorder, social support, and youth self-esteem". *Iranian Social Studies*, 7(2): 3-27.
- Blau Spenleh, Anne-Marie (1993). **The Concept of Role in Social Psychology**. Trans. by Abolhassan Sarvghad Moghadam. Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Debesse, Maurice (1991). **Stages of Education**. Trans. by Ali-Mohammad Kardan. 9th ed. Tehran: University of Tehran Press.
- Dehghani, Farzad (2023). "Dialogical logic and rereading the unwritten lines in the Holy Qur'an". *Stylistic Studies of the Holy Qur'an*, 7(2), No. 13.
- Elyasi, Mohammad Hossein (2007). "Measuring the relationship between generational gap and parenting styles of fathers". youth and generational relations. 1: 25-39.
- Farhangi, Ali Akbar. (2013). **Human Communication**, Vol. 1. 23rd printing. Tehran: Rasa Cultural Services.
- Ghasemzadeh, Eftekhār & Zeinab Ghadami (2023). "The educational role and status of history teaching in the education system". *Research in History Education*, 4(1): 31-45.
- Ghasemzadeh, Eftekhār & Meysam Soleimani (2022). "How to teach history to children with emphasis on its educational role". *Research in History Education*, 3(4): 25-37.
- Giddens, Anthony (2015). **Modernity and Self-Identity: Society and Personal Identity in the New Age**. Trans. by Naser Movaqqian. 10th ed. Tehran: Ney Publishing.
- Hargie, Owen; Christine Saunders & David Dickson (2007). **Social Skills in Interpersonal Communication**. Trans. by Mehrdad Firoozbakht & Khashayar Beigi. 4th ed. Tehran: Roshd.
- Hashemi Khoyi, Mirza Habibollah (1977). **Minhaj al-Bara'ah fi Sharh Nahj al-Balagha**. Edited by Mohammad Baqer Kamarei. Tehran: Maktabat al-Islamiyyah.

- Houshiari, Nasibeh al-Sadat, & Hossein Ali Rahmati (2022). "Investigating intra- and extra-family factors affecting generational disconnection in Iranian families". *Educational and Psychological Family Studies*, 6: 9-31.
- Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid ibn Hibatullah (1983). **Sharh Nahj al-Balagha**. Qom: Ayatollah al-Mar'ashi Najafi Library.
- Ibn Maytham, Maytham ibn Ali (1996). **Sharh Nahj al-Balagha**. Trans. by Ghorbanali Mohammadi Moghadam et al. Mashhad: Islamic Research Foundation of Astan Quds Razavi.
- Imani, Elaheh, et al. (2023). "Influential components on the generational gap among high school students in District 4 of Tehran from the perspective of parents and teachers (with emphasis on religious education)". *Applied Issues in Islamic Education*, 1: 7-36.
- Karimi, Yousef (2005). **Social Psychology**. Tehran: Payam Noor University.
- Kashani, Fathollah ibn Shokrallah (1999). **Tanbih al-Ghafelin wa Tadhkirat al-'Arifin**. Tehran: Payam-e Haqq.
- Kazemipour, Abdol Mohammad (2008). **Generation X: A Sociological Study of Iranian Youth**. Tehran: Ney Publishing.
- Lazar, Judith (2015). **Public Opinion**. Trans. by Morteza Katebi. 11th ed. Tehran: Ney Publishing.
- Makarem Shirazi, Naser (1996). **The Message of Imam Amir al-Mu'minin (Peace be upon him)**. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Mardani (Golestani), Mehdi & Somayeh Abedi (2016). "Educational effects of history from the perspective of Nahj al-Balagha". *Ma'refat*, 25(223): 95-108.
- Moayyed, Yahya ibn Hamzah (2003). **Al-Dibaj al-Wadhi**. Yemen: Imam Zayd ibn Ali Cultural Foundation.
- Moeidfar, Saeed (2004). "Generational Gap or Cultural Disconnection (A study of generational gap in Iran)". *Social Sciences Letter*, 24: 55-80.
- Mousavi, Abbas Ali. (1997). **Sharh Nahj al-Balagha**. Beirut: Dar al-Rasul al-Akram (PBUH).
- Mughniyah, Mohammad Jawad (1979). **Fi Zilal Nahj al-Balagha**. 3rd ed. Beirut: Dar al-Ilm lil-Malayin.
- Nawwab Lahijani, Mohammad Baqir ibn Mohammad (1937). **Sharh Nahj al-Balagha**. Tehran: Akhavan Ketabchi.
- Nourbakhsh, Younes, et al. (2017). "Investigating the relationship between social support and youth social health in marginalized areas of Kermanshah". *Iranian Social Issues Review*, 8(2): 233-257.

- Qutb Ravandi, Sa'id ibn Hibatullah (1985). **Minhaj al-Bara'ah**. Qom: Grand Ayatollah al-Mar'ashi Najafi Public Library.
- Roberto, R. May Lee Whop (2001). **Structure, Emergence, and Transformation of Personality**. Trans. by Mahmoud Mansour. 4th ed. Tehran: University of Tehran Press & SAMT.
- Safari, Hossein & Naser Haghi (2023). "**Youth social health and its relationship with family performance**". *Political-Social Studies of Contemporary Iranian History*, 2(2): 239-251.
- Safiri, Khadijeh & Solmaz Shayesteh (2015). "**Investigating the relationship between family social capital and youth social health**". *Social Work*, 4(3), No. 13.
- Schultz Eichel, Rainer (2014). **Foundations of Communication Sociology**. Trans. by Karamatollah Rasekh. 2nd ed. Tehran: Ney Publishing.
- Schultz, Duane P. & Sydney Ellen Schultz (2007). **Theories of Personality**. Trans. by Yahya Seyed Mohammadi, 8th ed., 11th printing. Tehran: Virayesh Publishing.
- Shafiabadi, Abdollah (2017). **Child Guidance and Counseling: Concepts and Applications**. 2nd ed., 23rd printing. Tehran: SAMT.
- Shekari, Sheida, et al. (2023). "**A model for reducing the generational gap using Instagram social network (Qualitative analysis based on grounded theory)**". *Society, Culture, and Media*, 49: 125-148.
- Tabakh Hosseini, Maryam, et al. (2023). "**An inquiry into the globalization process with a view to the generational gap as threat or opportunity in criminal and Islamic sociology teachings**". *Cultural Management*, 60: 17-25.